يريدون ليطفئوا نور الله بأفواههم والله متم نوره ولو كره الكافرون

بعد الحمد والمنة که رسالة عجالة [illegible] در ثبوت خلافت بالبرهان المسمى

باثبات الخلافة بالقرآن
والحجة [illegible] للمنكرين بالبرهان

از تصنيفات عالم لمعي فاضل لوذعي مولوي محمد عظيم عظيم آبادي حسب فرمايش مصنف

در مطبع علوي علي بخش خان [illegible] واقع لکهنؤ [illegible] بحليه طبع پوشيد

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی هدنا لهذا وما کنا لنهتدی لولا ان
هدنا الله والصلوة والسلام علی سیدنا ومولانا محمدن
المبعوث بالمعجزات والکتاب الکریم وعلی آله واصحابه
خصوصا علی الخلفاء الذین قاموا بنصرة الدین القویم
اما بعد بر ضمیر اشراق تخمیر وانصاف پذیر هر صغیر وکبیر مخفی ومحجب مباد
که این احقر العباد وخادم الطلبه فقیر محمد عظیم غفر الله له ولوالدیه مانه دوازده
سال گذشته است که سکونت در محله خلیل پوره من محلات شهر عظیم آباد بهار دارد
بجز شغل درس وتدریس با هر دیگر از قبیل بحث وتقریر با اهل مذاهب

مخالف میل طبیعت خود نداشت بلکه این روش و اطوار نزد فقیر
مکروه و بیہودہ می نمود لیکن آخر الامر مردی از مردمان اہل التشیع مسمی میان
علی جان که با فقیر رابطه سلام علیکم ہم میداشت و دوکانش اثنای راہ
عزیمتخانه فقیر و مسجد واقع شدہ ہست و اکثر اوقات اتفاق مرور و آمد و رفت
فقیر قریب دوکانش می افتاد روزی از روزہا سوال درباب
متعه از فقیر نمود که نکاح متعه را حضرت جایز فرمودہ و خلیفه ثانی در عہد
خود آنرا حرام کرد و خلاف حکم حضرت نمود چنانچه در صحیح بخاری و مسلم
که از صحیح کتب سنیان اند موجود ہست فقیر جواب داد که جناب رسالتمآب
صلی الله علیه وسلم اول لا آخرالی متعه را حکم حلال فرمودہ بود و بعد ازان
ہر دو را منسوخ ساخته حکم حرام نمود و آن کسانرا که خبر حکم حرمت نرسیدہ
بود خلیفه ثانی در عہد خود ایشانرا خبر داد و مطلع ساخته نه که از جانب خود
حکم حرام فرمود مطلب صحیحین اینست و انچه که شما فہمیدہ اید محض غلط و
بی اصل ہست چون طرف ثانی ساکت شد بعد ازان فقیر ہم سوالی کرد

که خلافت را شما منکر هستید و حال آنکه خلافت از آیت قرآن که در سورهٔ
نور موجود است ثابت است بلکه از پیشین گوییهای قرآن و معجزات
سید المرسلین است و آنکه منکر خلافت است منکر قرآن است و حکم منکر
قرآن ظاهر و باهر است چونکه طرف ثانی علم نداشت طلب تحریر مضمون
آیت نمود که از علماء و مجتهدین خود جوابش بیارد فقیر اگرچه در آن وقت
وعده تحریر نمود و لیکن بعد از آن چندروز اغماض و تساهلی
ورزید باین خیال که درین زمانه تحریر و تقریر محض ناسود است
چرا که این قصه کهنه را بزرگان دین و پیروان راه الیقین بارها ثبت
تازه نموده اند مگر احدی از اهل تشیعه براه صدق و صفا در دین متین نیامد
و از مرکب نفسانیت و ناحق شناسی و پاسداری مذهب آبا و اجداد
فرو نیفتاد من در چه جایم که در تحصیل حاصل دم زنم آخر کار طرف ثانی
پیش دیگر شیعیان هم تذکره نمود و اوشان هم در پی طلب تحریر شدند
و بار بار تقاضهٔ تحریر نمود حتی که بطور استهزا و تمسخر سلام علیکم کردن آغاز نمودند

فلاجرم بحکم الحق یعلو ولا یعلی آیت مثبت حق و مزیح شک و شبہہ را
تسوید و تحریر نمودہ حوالہ ایشان نمودہ شد اینست باعث تحریر و تسطیر
و این نوشتہ را مدت دو سال شدہ است لیکن ہنوز جواب
معقول کسے نداد لہذا این رسالہ مسمی باثبات الخلافت
بالقرآن و اسکات المنکرین بالبرہان گردید پس
التماس از ارباب بلاغت و بصارت فریقین آنکہ نظر از ساحت
فصاحت الفاظش باز داشتہ اصل مدعی و معنی را ملاحظہ فرمایند چہ کہ
فقیر در تحریر عبارت فارسی چندان مہارت ندارد و اللہ علی ما
اقول وکیل چہ میفرمایند علماء امامیہ در آیت سورہ نور کہ از پیشین گوئیہای
قرآن و معجزات و دلایل ثبوت نبوت جناب رسول مقبول صلی اللہ
علیہ وسلم است و شان نزول آن اینست کہ فقرای مہاجرین بعد از
ہجرت بمدینہ در منازل انصار جای گرفتند و قریش با آنکہ اکثر از قبائل
عرب کہ گرد مکہ و یثرب بودند بر محاربہ ایشان اتفاق نمودہ شب و روز

پیغامهای تهدید آمیز و سخنان فتنه انگیز میفرستادند و ما چنین
اکثر اوقات سلاح با خود داشتندی و روزگاری به هول و هراس
میگذرانیدندی روزی با یکدیگر گفتند آیا زمانی بر ما در آید که خود را
ایمن و مطمئن بینیم و بفراغت خاطر بساط سلامت و عافیت بنشینیم
پس حق سبحانه تعالی برای تسلی و تسکین ایشان این آیت جلوه
وعده نازل فرمود و سوگند خورد که هر آینه ایشان را خلیفه
کرداند در زمین کفار از عرب و عجم چنانچه ارشاد فرموده
وَعَدَ اللّٰهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ
وعده داده است خدا آنانرا که ایمان آوردند از شما و عملهای شایسته کردند البته خلیفه سازند ایشانرا
فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ
در زمین چنانکه خلیفه ساخته بود آنانرا که پیش از ایشان بودند و البته محکم کند برای ایشان دین ایشانرا آن که
الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي
پسندیده است برای ایشان و البته بدل کناد ایشانرا بعد از ترس ایشان ایمنی ابد پرستش کنند مرا

لا یُشْرِکُوْنَ بِیْ شَیْئًا وَمَنْ کَفَرَ

شریک مقرر نکنند با من چیزے را و ہر کہ ناسپاسی کند

بَعْدَ ذٰلِکَ فَاُولٰٓئِکَ ھُمُ الْفَاسِقُوْنَ ۝

بعد ازین پس الجماعۃ ایشانند فاسقان ✤

یعنی درین آیت حق سبحانہ تعالیٰ برای رسول مقبول صلے اللہ علیہ وسلم و اصحاب وے چند چیز وعدہ فرمودہ و خبر داد کہ ایشانرا عطا خواہد کرد اول وعدہٗ خلافت در زمین کفار از عرب و عجم چنانچہ خلیفہ نمود بنی اسرائیل را در ملک مصر و شام بعد جبابرہ و حضرت داؤد علیہ السلام را کہ یَا دَاوٗدُ اِنَّا جَعَلْنٰکَ خَلِیْفَۃً فِی الْاَرْضِ وارد است ثانی وعدہ تمکین و تثبیت و قرار دادن دین و شریعت جناب رسول مقبول صلے اللہ علیہ وسلم کہ مرضی و مقبول و پسندیدہ خدا است ثالث وعدہ امن از خوف از ایشان کہ از کفار و اعداء دین بود ایشانرا و ہم ارشاد فرمود کہ این ہمہ نعمتہا از جہت صدق و خلوص عبادت ایشانست و بعد از ان خبر داد کہ ہر کسان

که کفران وناسپاسی این نعمتها خواهند ورزید پس آن گروه از
فاسقان خواهند بود پس این آیت را مطابقت ومصداق
ضرورست که این همه اخبار ها بکدام زمانه واقع شده است چراکه
حق سبحانه تعالی خلاف وعده خود هرگز نمی سازد چنانچه می فرماید
اِنَّ اللّٰهَ لَا یُخْلِفُ الْمِیْعَادَ پس ایفای وانجاز این وعده ها
در کدام زمانه بوده است واز کدام کس ادا شده است
پس نزد اهل سنت والجماعت ایفای این وعده ها وورود
این نعمتها در زمانه خلافت خلفاء راشدین مهدیین رضوان الله
علیهم اجمعین بوده است زیرا که همه موعود وموعود علیه فی زمانهم
مجتمع ومنطبق شده اند وظهور اثر وعده خلافت حق سبحانه تعالی
چنان شد که بر ایشان هیچ خوف وخطر از کسی نماند بلکه همه اعداء دین را
هتتیخ کرده جمیع ملک ومال وخزانهای ایشان از روم وشام
وایران تحت تصرف خود آوردند واین غنیمتها مصداق ایفاء وعده

دیگر هم هستند چنانچه در سورهٔ فتح ارشاد فرمود وعدکم الله مغانم
کثیرة تاخذونها چه اکه غنایم کثیره در زمانه خلفا حاصل
شده است و بعد ازان کسی را میسر نشد و باوجود این حکم ایشان
در امن وامان غافل از عبادت معبود خود و مشغول بملک و مال
و متاع دنیوی نبوده اند چنانچه حق سبحانه تعالی خود خبر داد که یعبدوننی
لا یشرکون بی شیئا و در سورهٔ فتح هم فرمود و یهدیکم
صراطا مستقیما همین طور ثابت و چهار سال با امن وامان
می گذرانیدند و بعد ازان اول کسانیکه کفران و ناسپاسی این نعمتها
کردند و فساد در امن وامان انداختند قاتلان حضرت عثمان رضی الله عنه
بودند و من کفر بعد ذلک فاولئک هم الفاسقون
اشاره بسوی ایشان هست و بعد از خلفای راشدین هیچ زمانه
منطبق نمی آید زیرا که از لفظ منکم و از آیت وعدکم الله
مغانم کثیرة تاخذونها ظاهر و صاف معلوم می گردد

که حق سبحانه تعالی وعده انگسان را کرده است که در زمانه جناب
رسالت مآب صلی الله علیه وسلم وقت نزول این آیت موجود
بودند وغیر موجودین در وعده این آیت داخل نمیشوند وبالفرض
والتقدیر اگر مراد عام باشد تاهم مطابق نمی آید زیرا که حضرت
امام حسن رضی الله عنه بعد از شش ماه از شهادت حضرت علی
کرم الله وجهه خلع خلافت نموده گوشه نشینی اختیار فرمودند وحضرت
امام حسین سید الشهدا رضی الله تعالی عنه از دست ظالمان مظلوم
شهید شدند وحضرت زین العابدین ودیگر امامان رضوان الله
علیهم اجمعین کسے از ایشان هم خلیفه نبوده است پس نزد اهل تشیعه
اگر مصداق این آیت خلافت خلفاء راشدین مهدیین رضوان الله
علیهم اجمعین نیست پس کدام زمانه وکدام کس مصداق این آیت است
بینوا بالبرهان واجروا بالصواب واگر کسے گوید
که مراد حضرت امیر است وصیغه جمع برای تعظیم ویا حضرت امیر اولاد

آنجناب جواب حضرت امیر گرچه وقت نزول آیت موجود بودند
لیکن امن کامل وعدم خوف نیز در زمان ایشان حاصل نبود همیشه
از افواج شام خوف وهراس لاحق عمال ولشکریان آنجناب ماند
ومعهذا حضرت امیر یکفرد است ولفظ جمع را بر یک کس حمل نمودن
خلاف وضع الفاظ واستعمال است ودیگر آنکه حق سبحانه تعالی
درین آیت برای خلفاء موعودین لفظ جمع را سه جا آورده است
هیچ جا بلفظ مفرد تعبیر نفرموده اگر این چنین استعمال الفاظ برای تعظیم بغیر
قرینه جایز داشته شود اعتبار کلی از وضع الفاظ برخیزد وهیچ بر معانی
قرآن اعتماد نماند وهیچ حکم از احکام دین وشریعت ثابت نگردد وائمه
دیگر که بعد از حضرت امیر بودند عدم تسلط ایشان در زمین وعدم ازاله
خوف از ایشان نزد فریقین چنان ظاهر است حاجت بتحریر ندارد
وجواب دیگر آنکه خلافت در آیت مذکور مثل خلافت امم انبیا
سابقین موعود است چنانچه ارشاد فرموده کما استخلف

الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ اگر زمانہ خلفاء ثلثہ خلافت موعودہ قرار داده شود
بلکہ غصب کہ بزعم اہل تشیعہ است مشبہ با مشبہ بہ مطابق نمی افتد
زیرا کہ غصب در خلافت امم سابقین واقع نشدہ است بلکہ علے
الاتصال بودہ است پس ازین مراد گرفتن تخلف در وعدہ
حق سبحانہ تعالے لازم می آید و اگر کسے گوید کہ مراد حضرت امام
مہدی ست جوابش ہمان است کہ بالا مذکور شد کہ آنجناب فرد
واحد است و اطلاق جمع بہ واحد جائز نیست و ہم در وقت
نزول آیت موجود نبودند حتی کہ ہنوز در وجود ایشان اختلاف است
و ہم نزد اہل تشیعہ مخفی ہستند حق سبحانہ تعالی خلافت موعودہ علی وجہ
تشبیہ با امم سابقہ بیان فرمودہ در امم سابقہ کسے خلیفہ مخفی نبودہ است
آنجناب چگونہ مصداق این آیت می توانند شد اگر کسی گوید کہ حضرت
علی کرم اللہ وجہہ نزد سنیان خلیفہ چہارم اند و از خلفاء حق سبحانہ تعالے
وعدہ ازالہ خوف فرمودہ است و چون با آنجناب ہمیشہ از افواج

شام خوف و هراس لاحق ماند خلافت آنجناب چگونه ثابت خواهد شد
گویم خلافت حضرت امیر نزد سنیان ثابت است زیرا که حق سبحانه تعالی
وعده ازاله خوف از کفار نموده است و افواج شام فرقه اهل اسلام بودند
و جنگ و جدال فیما بین اهل اسلام واقع شده بود نه با کفار
حضرت امیر نزد سنیان مصداق آیت باخوبی می تواند شد
لیکن نزد اهل تشیعه خلافت آنجناب ثابت نمیگردد زیرا که افواج
شام را نسبت کفر می سازند ازین جهت نزد ایشان ازاله خوف
از کفار نگردید مصداق آیت نمی تواند شد اگر کسی گوید که زمانه
خلفا مصداق این آیت هم نمی تواند شد زیرا که از قوله تعالی
وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذٰلِكَ فَاُولٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُوْنَ
معلوم می گردد که کسے خلیفه عثمان خواهد بود که کفران و ناسپاسی
این نعمت خواهد ورزید و نزد سنیان کسی خلیفه کفران این
نعمت نکرده است جواب این احتمال وقتی تواند بود که لفظ منهم مشعر

در قوله تعالے بود یعنی وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذٰلِكَ
فَاُولٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُوْنَ و این چنان وارد نشده است
این احتمال چگونه تواند شد و معهذا از صلاحیت و خلوص عبادت
ایشان که خالی از ریا و شرک باشد حق سبحانه تعالی خود خبر داد که
یَعْبُدُوْنَنِیْ لَا یُشْرِكُوْنَ بِیْ شَیْئًا و دیگر آنکه حق سبحانه تعالے
آنکسانرا که وعده عطا کردن غنائم کثیره فرموده است وعده هدایت
نمودن ایشانرا هم ارشاد فرمود که وَیَهْدِیَكُمْ صِرَاطًا مُّسْتَقِیْمًا
وارد شده است و غنائم کثیره بعد جناب رسالت مآب صلی الله علیه
وسلم بجز خلفا کسے را حاصل نشد کفران و ناسپاسی از ایشان چگونه متصور
خواهد شد الغرض ازین آیت صاف معلوم میگردد که فساد و ناسپاسے
از شخص غیر صادر خواهد گردید و اگر کسی گوید که مِنْ برای بیان است
برای تبعیض نیست و استخلاف یعنی توطن در زمین است گوئیم مفاد
من بیانیه درینجا بغیر استخلاف یعنی توطن مفاد من تبعیضیه است زیرا که

اگر زید زاده پسر بودند بعض از ان کسے قتل نمود میتوان گفت که
پسران زید فلان را قتل نمود حال آنکه مرتکب فعل بعض شدند و در صورت
حمل بر بیان و استخلاف بمعنی توطن گرفتن قید وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ
لغو می افتد زیرا که توطن در زمین چنانچه صالح را حاصل است
فاسق را نیز بلکه زیاده و خوب تر بلکه قید ایمان هم عبث است زیرا که کفار را
نیز توطن در زمین حاصل است و کلام لغو در قرآن محال است وَفِیْمَا
ذُکِرَ کِفَایَةٌ وَّلِاَهْلِ الْبَصَرِ هِدَایَةٌ وَالْهَادِیْ هُوَاللّٰهُ تعالیٰ
پس التماس بعالی خدمت آنصاحبان که بارادهٔ جواب نویسی قلم برداشته اند
اولا تعصب و عناد را وا گذاشته و طرفداری و نفسانیت را بر طرف
داشته عدل و انصاف را از دست ندهند تا که در زمرهٔ یُحَرِّفُوْنَ
الْکَلِمَ عَنْ مَّوَاضِعِهٖ داخل نشوند چرا که کلام در معانی قرآن است
که نزد فریقین مدار ایمان است نه چنانکه قصهٔ تسویهٔ کاغذ دارند
مطابق و موافق سوال افتد یا نه افتد وَاٰخِرُ دَعْوٰنَا اَنِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ

ربِّ العٰلمین والصلوٰۃ والسلام علےٰ سیّدنا خیر

خلقہٖ محمّدٍ والہٖ واصحابہٖ وعترتہٖ وازواجہٖ

امہات المومنین وخلفائہٖ اجمعین

قطعہ تاریخ تالیف رسالہ از نتایج افکار جناب شاہ محمد یحیی صاحب سلمہ اللہ تعالیٰ

عظیم النفع تالیف عظیم فاضل کامل	بدلیل سنت ای یحیی قرآن کلام حق
در اثبات خلافت این رسالہ موجز کافیست	بیا بنگر اگر میداری ایقان کلام حق
ز تیر کلک ندرت سلک یحیی سال تالیفش	رقم زد مسکت منکر برہان کلام حق

۱۲۸۹ ہجری

فقط